

جهش تولید در گام دوم



اصغر ندیری

تحولات بزرگ عملی و گام نهادن در مسیر پیشرفت‌های فرهنگی و اجتماعی بود. انسان‌های مهارتی و خلاق، به‌عنوان سرمایه‌های مورد نیاز بخش‌های تولیدی و خلاق، می‌توانند در فراهم کردن آینده‌ای درخشان برای کشور مؤثر باشند. همچنین نیاز است مجموعه‌ی آموزش و پرورش برای فراهم‌سازی شناسایی و پرورش استعدادها و قابلیت‌های نیروی انسانی توانمند، رویکردهایی برای خود تعریف کند تا براساس الگویی مشخص و به دور از سلیقه‌گرایی برای تحقق جهش تولید حرکت کند.

تغییر ذائقه‌ی دانش‌آموزان به مهارت‌محوری

در این راستا یکی از فعالیت‌های مسئولان برنامه‌ریزی آموزشی می‌تواند این باشد که برای اجرای مهارت ویژه‌ی دانش‌آموزان دوره‌ی دوم

آموزگارانی باشند، بی‌اثر نخواهد بود. همانا دوره‌ی ابتدایی دوره‌ی شکل‌گیری عادت‌ها و رفتارها در دانش‌آموزان است که بر موضوع جهش تولید هم می‌تواند تأثیر جدی داشته باشد تا باور دانش‌آموزان را افزایش دهد. ایجاد نگرش در دانش‌آموزان درباره‌ی جهش تولید کمک می‌کند آنان بیشتر با این مقوله آشنا شوند. امید است در این مسیر با نشان دادن اهمیت کار و تلاش به دانش‌آموزان، حس مسئولیت‌پذیری و امید به آینده‌ی آنان افزایش یابد. در این زمینه، با خروج نظام آموزشی از قالب سنتی و پشت‌میزنشینی می‌توان شاهد

«مهارت‌محوری» از رویکردهای نوین آموزش ابتدایی است و به مناسبت نام‌گذاری سال جاری، این رویکرد می‌تواند براساس «جهش تولید» برای دانش‌آموزان و این دوره برنامه‌ریزی شود. یکی از نقاطی که می‌توان این برنامه را در آن منظور کرد، در تکالیف دانش‌آموزان و ارائه‌ی فرهنگ درست از تولید داخلی و ملی است تا از این طریق زمینه‌های جهش تولید فراهم شود. به‌یقین، اگر این موضوع سرلوحه‌ی اقدامات فرهنگی



یادداشت

تکالیف مهارت محور از دید سند تحول بنیادین

با توجه به اهمیت آشنایی با اهداف و محورهای سند تحول بنیادین، در این قسمت یادداشتی در ارتباط با تکالیف مهارت محور و جایگاه آن در سند تحول بنیادین از صابر صیدی از کرمانشاه را خواهید خواند.

«تکالیف» تعریف‌های متعددی دارد که به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود. از نظر کیت (۱۹۸۶)، تکلیف کاری است که معلم‌ها طراحی کرده‌اند تا دانش‌آموزان در خارج از کلاس انجام دهند. کوپر (۱۹۸۹) وظایفی را که آموزگار به عهده‌ی دانش‌آموزان می‌گذارد و باید در ساعاتی خارج از مدرسه انجام شود، تکلیف نامیده‌اند.

قورچیان تکالیف را به چند دسته تقسیم کرده است:

۱. تمرینی؛ ۲. آماده‌سازی؛ ۳. گسترش و بسط مهارت‌ها؛ ۴. خلاقیتی.
- تکالیف مهارت محور را می‌توان از نوع تکالیف سوم و چهارم در نظر گرفت.

جایگاه تکالیف مهارت محور در سند تحول

تمام سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و طرح‌ها و پروژه‌هایی که با مدرسه مرتبط هستند، باید با سند تحول بنیادین منطبق باشند. در این سند برای اجرا از مبانی نظری و مجموعه راهبردها و دستورالعمل‌ها استفاده می‌شود. سند در ارتباط با تکالیف مهارت محور سه نکته مهم دارد:

نکته اول: تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین دو قسمت تربیت رسمی و تربیت غیررسمی دارد. تربیت رسمی همان برنامه‌ی رسمی و مصوب وزارت آموزش و پرورش است و در زمانی رسمی و مشخص در مدرسه اجرا می‌شود. اما جریان تعلیم و تربیت در مدرسه به اتمام نمی‌رسد و باید مستمر باشد. در اینجا تربیت غیررسمی خود را نشان می‌دهد که باید با همراهی والدین انجام گیرد. برنامه‌های درسی در نظام آموزش عمومی سه قسمت تجویزی، نیمه تجویزی و غیرتجویزی دارند. برنامه‌ی تجویزی برنامه‌ای اجباری است و باید به‌طور دقیق طبق اهدافی از قبل تعیین شده اجرا شود. برنامه‌ی نیمه تجویزی هم تا حدودی همانند برنامه‌ی تجویزی است؛ البته با این تفاوت که دانش‌آموزان از میان چند مورد باید دست به انتخاب بزنند. اما برنامه‌ی غیرتجویزی کاملاً اختیاری است و براساس علاقه و استعداد و نیاز متربی انتخاب می‌شود. تکالیف مهارت محور را می‌توان در این قسمت قرار داد.

نکته دوم: آنچه در خارج از مدرسه انجام می‌گیرد، باید به سمتی برود که مهارت‌های مورد نیاز را در دانش‌آموزان ایجاد کند. این مهارت‌ها ابعاد گوناگونی دارند که در ادبیات سند تحول با عنوان «شایستگی» مطرح شده‌اند. یکی از جنبه‌های شایستگی همین مهارت است. تکالیف مهارت محور شایستگی‌های تربیتی را توسعه می‌دهند و این شایستگی‌ها (مهارت‌ها) مهارت‌های مورد نیاز در زندگی هستند؛ اما در راستای برنامه‌ی درسی مدرسه. بنابراین، تغییر نگرش والدین و دانش‌آموزان در این خصوص که تکالیف مهارت محور جزئی از جریان فرایند یاددهی - یادگیری هستند و جدا از آن نیستند، مهم و ضروری است و حضور ذی‌نفعان در اجرای این برنامه مهم و حیاتی است. از آنجا که تکالیف مهارت محور جزو تربیت غیررسمی قرار می‌گیرند و به دلیل اختیاری بودن، مطابق سلیقه، علاقه و نیاز متربی هستند، یادگیرندگانی فعال (متربی عامل) را در بر می‌گیرند.

نکته سوم: سند تحول به انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی نظر دارد و بیان می‌کند، از آنجا که انسان قدرت اختیار و اراده دارد و صاحب عقل است، بنابراین هر فرد باید در تربیت خود نقش آفرینی کند. متربی با انجام این تکالیف در تکمیل نیازهای خود می‌کوشد. این ابعاد را در سند با ساحت‌های شش‌گانه نشان داده‌اند. تکالیف مهارت محور باید به گونه‌ای باشند که به ساحت‌های شش‌گانه‌ی تعلیم و تربیت دست یابند و آن‌ها را پوشش دهند.

ابتدایی قدم بردارند. دانش‌آموزان باید بتوانند براساس علاقه‌مندی خود از بین علوم یا مهارت‌ها یک یا دو مورد را انتخاب کنند و در آن تجربه به دست آورند. برگزاری جشنواره‌ها یا نمایشگاه‌های مهارت، با نگاه به آینده، تشکیل اتاق یا کارگاه فکر و مهارت دبستان، از دیگر فعالیت‌های پیرامونی این راهبرد است.

تولید در مدرسه

امروزه هدایت دانش‌آموزان به فضای کسب و کار، با فرض این نکته که در فعالیت‌های فرهنگی زمینه‌سازی هوش مالی را نباید از نظر دور داشت، می‌تواند یکی از بنیان‌های مهارت‌آموزی و رسیدن به مؤلفه‌های جهش تولید در دبستان باشد. این نگرش محوری بیان می‌دارد که لازم است دانش‌آموزان دستاوردهای آموزش‌های مهارتی را لمس کنند و در بازمهندسی آن، روش‌های تفکر خلاق و حل مسئله را به کار بندند.

ایجاد فضای تولید این تجربه را به دانش‌آموزان می‌دهد که برای پذیرش مسئولیت‌های سنگین‌تر، با آرامش و عقلانیت همراه با مهارت رفتار کنند. جهش تولید را به چشم یک شعار نباید دید، بلکه باید آن را سرلوحه و سرمایه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی قرار داد و در مسیر آن حرکت کرد.

نسبت «جهش تولید» و گام دوم انقلاب اسلامی

رهبری معظم انقلاب اسلامی در بیانیه‌ی راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، مسیر آینده‌ی انقلاب اسلامی را ترسیم کرده و اقدام برای تقویت کشور با عزم جهادی جوانان با امید، با انگیزه و معتقد به باور «ما می‌توانیم» را یک ضرورت و در عین حال رمز موفقیت در حرکت‌های بزرگ معرفی کرده‌است. ایشان ضمن اشاره به تجربه‌های گذشته‌ی کشور در فائق آمدن بر مسائل مهم، جوانان را به تعمیق شناخت خود از تاریخ و نیز ظرفیت‌های متراکم کشور برای برداشتن گام‌های بزرگ در مسیر پیشرفت کشور دعوت می‌فرمایند. از این‌رو می‌توان جهش تولید را یک هدف‌گذاری از جنس گام دوم انقلاب اسلامی معرفی کرد.